



آیت الله حسین نوری



اقتصاد

مفاسد سیستم سرمایه داری

ایجاد و اشاعه فقر و محرومیت

در قسمت های پیشین سلسله بحث های اخیر به بحث از سیستم "اقتصاد سرمایه - داری" و به بیان دیگر "اقتصاد امپریالیستی" پرداختیم و به طرح و تحلیل انواع مفاسد و زشتی های ناشی از این سیستم اقتصادی دست زدیم.

آنچه تا کنون در این رابطه مطرح کرده و به اینوسیله مفاسد "سرمایه داری" را شرح داده ایم عبارت است از:

- ۱ - بروز اختلاف فاحش طبقاتی
- ۲ - رواج ظلم و بیدادگری .
- ۳ - شیوع فساد و فحشا .
- ۴ - ایجاد سلطه استعماری و استکباری .
- ۵ - ایجاد اختلاف و جنگها برای هدف های

شوم استکباری از جمله فروش محصولات اسلحه کنورهای سرمایه داری .

اکنون گفت دیگری از این مفاسد را بنویسید خداوند بزرگ مورد بررسی قرار می دهیم ، و آن ایجاد "فقر و محرومیت" است .

در راستای سیستم "اقتصاد سرمایه داری" نخست لازم است که این گروه از افراد یعنی مستضعفین و محرومین را بطور مشخص شناسائی کنیم و معلوم داریم که زیر فشار حاکمیت بول و سرمایه ، و بدنبال آن زور و استعمار و استثمار ، عنوان ضعیف و محروم به چه کسانی اطلاق می شود؟

در یک تعریف کوتاه می توان گفت: در اجتماعاتی که بول و سرمایه حکومت می کند ضعیف و محروم کسی است که این حاکم طبقاتی و بی رحم او را از این وسیله خلع

کرده است .

به سخن دیگر طبق مطالبی که همه اقتصاددانان و جامعه شناسان بدون استثنا در باره سیستم سرمایه داری بیان کرده اند باید گفت:

جامعهای که تحت حکومت و حاکمیت بول و سرمایه به سر می برد ، در یک نگاه کلی به دو دسته تقسیم می شود: اقلیتی صاحب ثروت و نفوذ که استثمار و استعمار و استکبار می کند ، و اکثریتی فاقد ثروت که تحت استثمار و ستم قرار دارد و در سخت ترین شرایط زندگی بسر می برد .

راستی یکی از دردناک ترین و فاجعه آمیزترین مفاسد موجود در سیستم سرمایه داری امپریالیستی این است که در اینس جوامع اقلیتی ناچیز در کمال رفاه و آسایش و غرق در ثروت و سرمایه زندگی می کنند ، و

در مقابل آنها اکثریتی عظیم در فقر و محرومیت شدید به سر می‌برند.

این اکثریت عظیم که رنج و مرارت ناشی از اختلاف طبقاتی را بر دوش دارد از سه گروه عمده تشکیل می‌شود:

- ۱- کسانی که نیروی بدنی لازم برای انجام کارهای طاقت فرسا را دارند و بسا دستمزدی اندک به لقمه نانی قناعت می‌کنند و در عوض با کار و تولید خود بر ثروت اقلیت سرمایه دار می‌افزایند.
- ۲- کسانی که نیروی فعال و توانایی انجام کار و تولید دارند اما در سیستم

بطوری که این افراد با شنیع‌ترین شکل فقر و گرسنگی روبرو هستند و غالباً در گوشه خرابه‌ها، در کنار خیابانها و کوچه‌های محلات فقیرنشین، در بیغوله‌های نمناک و لجن آلود، و در حاشیه شهرها و کنسار پارکهای عمومی، زندگی می‌کنند. با لقمه نانی که از راه سؤال و اظهار احتیاج و اضطرار بدست می‌آید، یا ته مانده خوراکیها که در زباله‌ها پیدا می‌شود، شکم خود و خانواده‌شان را نیمه پر می‌کنند، و در میان منشا، انواع بیماریها و آلودگیها بسر می‌برند و به انواع امراض خطرناک و گاه مسری - که جامعه را نیز آلوده می‌سازد - مبتلا می‌شوند و در همان مخروبه‌ها و بیغوله‌ها یا در کنار کوچه و خیابان جان می‌سپارند!

رابطه فقر با فساد و فحشاء

از سه گروهی که نام بردیم گروه‌های دوم



پسجیده سرمایه‌داری - که همیشه می‌خواهد نیرومندترین افراد را با کمترین دستمزدها استخدام کند و برای استخدام افرادی که اجرت کمتر بگیرند بین کارگران یک تنوع سابقه و رقابت بوجود می‌آورد - تنگنای بدست نمی‌آورند و در بیگاری و فقر غوطه می‌خورند.

۳- کسانی که بیش از همه در چنگال فقر و گرسنگی دست و پا می‌زنند، اینها افراد عاجز - اعم از سالخورده، بیمار، معلول و ناقص العضو و بطور کلی کسانی که قدرت انجام کار ندارند - هستند که جوامع سرمایه‌داری هیچگونه فکری بحال آنها نکرده است!

مخدر را به محلات فساد و شرارت و بیغولف های معتادین می‌برند و بین مصرف‌کنندگان درمانده و قربانیان فساد سرمایه، پخش می‌کنند و گاهی بساطهای قمار برپا می‌دارند و ولگردان را در محلی که برای این کار تدارک دیده‌اند گرد هم می‌آورند، و از این گونه راهها برای خود عوایدی فراهم می‌سازند. در این میان عدای نیز سرانجام قبح عمل را از حد گذرانده به ارتکاب فحشا اشتغال می‌ورزند و قبیح‌تر و دلخراش‌تر از همه اینکه اینگونه افراد گاهی فساد و فحشا را به خانواده خود رسوخ می‌دهند.

گرچه حتی سخن گفتن از این مسائل نیز دردآور و تأثر انگیز است اما واقعیت تلخ حاکم بر جوامع سرمایه‌داری این است که گفته شد بالاتر از همه فقر فرهنگی است که گریبانگیر این قبیل افراد می‌شود و چون نسلهای اینها نیز از یک زندگی آبرومندانه و از فرصت و امکانات لازم برای تحصیل دانش و کسب آگاهی و ترقی اندیشه و تعالی فرهنگی بی‌نصیب می‌باشند در فقر فرهنگی غوطه ور می‌گردند، در نتیجه قدرت ثوم سرمایه‌داری سلطه، استعماری و استثمار خود را بر آنها ادامه می‌دهد و حتی روز بروز خود را مجهز تر و قوی تر می‌سازد و قدرت و تسلط خود را افزون تر می‌کند.

مخرومان و فقیران هندوستان

برای اینکه از افزایش مداوم و روزافزون این محرومیت دردناک و افزایش دائمی شمار این گونه مخرومان در جوامع فقیر و تحت ستم مثالی در دست داشته باشیم به یک نمونه آشکار و مشهور اشاره می‌کنیم که در سطح جهانی در باره آن گفتگوهای بوجود آمده ولی متأسفانه هیچیک از جوامعی که قدرت لازم برای مقابله با آنها دارند فکری برای حل آن نمی‌کنند!

آن نمونه آشکار، فقیران و مخرومان و گرسنگان هندوستان است که از سالها پیش در کنار خیابانهای چند شهر بزرگ همچون "دهلی"، "بمبئی" و "کلکته" زندگی

و سوم، گاه از فرط فقر و گرسنگی، به دامن فساد و آلودگی و تباهی پناه می‌برند و از این طریق به صورت یکی از علل ترویج فساد در جوامع سرمایه‌داری در می‌آیند.

این قبیل افراد اگر توانایی و قدرت لازم برای دزدی و تجاوز و قتل و گانگستریسم را داشته باشند به سارقین می‌پیوندند یا بسا عضویت در باندهای گانگستری به قتل و تجاوز و آدم ربائی و قاچاق مواد مخدر می‌پردازند، و اگر دارای جنان قدرت و جسارتی نباشند به طرق دیگر آلوده، فساد و تباهی می‌شوند یا به سرقتهای کوچک دست می‌زنند و یا به صورت پادوهای کم اجرتی برای قاچاقچیان بزرگ در می‌آیند و سواد

می کنند. این افراد در کنار خیابانها بسر می برند، در کنار خیابانها می خوابند، کنار خیابان زاد و ولد می کنند، کنار خیابان فرزندان خود را بزرگی می کنند، کنار خیابان لقمه های نان خشکیده و غذای تهمانده می خورند کنار خیابان قضای حاجت می کنند و سرانجام این افرادی که شاید تا آخر عمر سقفی بسرشان سایه نیفتکند و هیچ دیواری آنها را در پناه خود نگرفته، کنار خیابان نیز می میرند تا بیست سال پیش اینها عسده ای در حدود یک میلیون نفر بودند، ده سال پیش عده آنها افزایش یافت و به حدود سه میلیون نفر رسید و اکنون از این موز نیز گذشته و به نزدیک پنج میلیون نفر بالغ شده است.

و این تازه مربوط به کشوری است که سالها پیش، علیه استعمار کهن و سنتی انگلیس قیام کرده و در پی یک نهضت عمومی از زیر بار و فشار مستقیم و علنی بیرون آمده است بطوری که امروزه دیگر، با کشورهای سلطه جو رابطهای جز روابط متقابل سیاسی و معاملات بازرگانی ندارد، اما سیستم جهانی سرمایه داری منحنی، از طریق همین روابط نیز، چنان وابستگی های متعددی در کشورهای فقیر ایجاد می کند که گروه های گرسنه و تحت ستم آن، هرگز نمی توانند از وضع موجود خویش رهائی یابند.

با توجه به وضعی که فقرا و محرومان هندی دچار آن هستند، بهتر می توان بی برد که در کشورهای فقیری که حتی استقلال سیاسی هندوستان را نیز ندارند و هنوز تحت استعمار مستقیم و آشکار قرار دارند، بخصوص در کشورهای استعمارزده آفریقای سیاه، چه فجایع و جناباتی جریان دارد و چه نمونه های شرم آور و تاسف انگیزی بوجود می آید و فقر و محرومیت و فلاکت در آن نقاط چه بیدادی می کند.

حتی از عکسهائی که مطبوعات کشورهای سلطه جو و استعمارگر از گرسنگان آفریقای سیاه و کودکان فقیر بخش هائی چون "بیافرا" چاپ می کنند - تا ظاهرا بحال آنها دل

بسوزانند و در حقیقت برای دوا اثر طرفداران با اصطلاح حقوق بشر و عفو بین المللی خود تبلیغ کنند - می توان بخوبی وسعت و ابعاد فقر و محرومیت را در آن نقاط دریافت.

هنوز مردم فراموش نکرده اند عکسهائی را که چند سال پیش در مطبوعات داخلی ما نیز از گرسنگان آفریقا چاپ می شد و کودکان "بیافرائی" را نشان می داد که از فقر و گرسنگی اعمار و احتیاشان ورم کرده است و در حالی که پوستی براستخوانی دارند و دنده هایشان نیز از زیر پوست شمرده می شود شکم های متورمشان به صورت طبلی توخالی آماس کرده است، یا عکسهای مردم آفریقای سیاه را که مشت مشت علف می خورند و حتی جایی که علف سبز پیدا نمی شود همچون شتر به خوردن خارهای خشک قناعت می کنند بالاشه های حیواناتی را که آنها نیز از بی آب و علفی و گرسنگی مردماند، مانند مطبوع ترین غذاها به دندان می کشند نیز نباید فراموش کرد.

در صفحه ۱۲ روزنامه اطلاعات (۲۷ فروردین ماه ۱۳۶۲) این نمونه تحت این تیتر به چشم می خورد: "هر سال ۴۰ میلیون انسان از گرسنگی می میرند، نیمی از افرادی که از گرسنگی جان خود را از دست می دهند کودک هستند".

در زیر عنوان فوق نوشته بود: سازمان خواربار و کشاورزی سازمان ملل (فائو) اعلام کرد که در هر سال در اثر گرسنگی و سوء تغذیه حدود ۴۰ میلیون نفر در سطح جهان می میرند و وضع تولیدات کشاورزی کشورهای در حال رشد در مقایسه با سال ۱۹۸۰ بیست و هشت درصد بدتر شده است!!

رئیس فائو گفت بیشترین تلفات انسانها ناشی از گرسنگی، مربوط به قاره آفریقا می باشد. هر سال سی هزار نوزاد سیاه پوست در آفریقای جنوبی به علت گرسنگی جان خود را از دست می دهند.

بر اساس آمار بدست آمده از ۸ میلیون کودک سیاه پوستی که در آفریقای جنوبی وجود دارد هر سال ۳۰ هزار کودک یا سه

عبارت دیگر هر ساعت سه تا چهار کودک بر اثر سوء تغذیه و گرسنگی تلف می شوند! وی گفت پزشکان آفریقای جنوبی قادر به حل مشکل گرسنگی نیستند، چرا که این مساله به اوضاع اجتماعی و سیاسی بستگی دارد.

آری اینها فقط نمونه های کوچکی است از اشکال و انواع گرسنگی و محرومیت ضعفا و فقرا در کشورهای تحت ستم که سیستم فاسد و شوم سرمایه داری امپریالیستی و فرهنگ شوم آن و تسلط اقتصادی آنها بوجود آورده و برای دوام و بقای آن از هیچگونه اعمال زور و جنابتی خودداری نمی کند، زیرا سیستم سرمایه داری تنها به بقای خود می اندیشد و برای ادامه سلطه و افزایش ثروت و قدرتش حاضر است روزانه میلیونها نفر را در گونه و کنار جهان به فجیع ترین صورتی به مرگ و نیستی بکشاند.

بحث درباره "انواع فقر"، از قبیل فرهنگی و فقر اقتصادی و عبارت دیگر منوی و مادی و بی آمدهای ناگوار و درد انگیزی که دامنگیر فقرا و محرومین می گردد، و همچنین بحث در باره علل و عوامل این فاجعه خطرناک بشری و اینکه چه دستهای مرموز چه نقشه های استعماری و استثماری آنرا ایجاد می کند و یا به آن دامن می زند و توسعه و تداوم می بخشد، و همچنین بیان این مطلب مهم که در سیستم اقتصادی اسلام با این ضایعه دردناک تا سرحد از بین رفتن و ریشه کن شدن آن چگونه مبارزه قاطع و نتیجه بخش بعمل آمده است، بتوفیق خداوند متعال به مقالاتی که بعدا تقدیم خوانندگان محترم خواهد شد موکول می گردد.

ادامه دارد